

سرچشمه تصوف در ایران

تألیف
استاد سعیدی
نفسی

به اهتمام
عبدالکریم حبر بزه دار



انتشارات سایه

۳۸۷/۳

فهرست مطالب

- سخن ناشر ۹
- سعید نفیسی: استاد ایرج افشار ۱۱
- دیباچه ۲۷
- ۱. تأثیر تعلیمات بودایی در فرهنگ پیش از اسلام ایران ۲۹
- ۲. بوداییان در بامیان ۴۹
- ۳. تصوف ایران از نظر فلسفی ۶۶
- ۴. بوداییان ایران در دوره بعد از اسلام ۸۱
- ۵. سرچشمه تصوف عراق و جزیره ۸۵
- ۶. نخستین متصوفه عراق و جزیره ۱۰۰
- ۷. نفوذ افکار مانویان در تصوف ۱۰۵
- ۸. انتشار دین مانی در آسیا و آفریقا ۱۱۴
- ۹. انتشار دین مانی در اروپا ۱۱۸
- ۱۰. تعلیمات یهود و نصارا و یونانیان در تصوف ایران ۱۲۴
- ۱۱. جنبه‌های خاص تصوف ایران ۱۲۸
- ۱۲. طریقت و شریعت ۱۳۰
- ۱۳. سماع در تصوف ایران ۱۴۳
- ۱۴. جوانمردی و فتوت ۱۵۴
- ۱۵. کتابهای جوانمردی و فتوت ۱۵۸
- ۱۶. آیین جوانمردی و فتوت ۱۶۳

تأثیر تعلیمات بودایی در فرهنگ پیش از اسلام ایران

در باره زردشت قانونگذار ایران باستان قرنهایست سخن می‌گویند و باز هم خواهند گفت. چندی است که نتیجه‌ای نزدیک به یقین فراهم شده است، اما هنوز در دسترس همه نیست و هنوز آن عقاید تعصب‌آمیز را که در قدیم در ذهن مردم جای داده بودند عده کثیری مخصوصاً در ایران رها نکرده‌اند. تاریخ را همیشه باید از دین و سیاست جدا کرد. تاریخ دین و سیاست را نشان می‌دهد اما دین و سیاست تاریخ را نشان نمی‌دهد و حتی آن را از راه طبیعی سراسر خود برمی‌گردانند. نویسندگان قدیم حتی تاریخ‌نویسان یونان هم که چندان از عصر زردشت دور نبودند آگاهی درستی از او نداشتند. هنوز معلوم نیست سبب آن چه بود؟ تنها یک سبب می‌توان برای آن آورد. امروز بر ما روشن است که دین هخامنشیان با دین ساسانیان تفاوت بسیار داشته است. دین هخامنشیان را باید به اصطلاح فنی Polythéisme یا Paganisme یعنی اعتقاد به خدایان متعدد دانست. اینجا مجال نخواهد بود کاملاً در این زمینه توضیح دهیم که چرا هخامنشیان آن چنانکه از کتیبه‌های ایشان برمی‌آید به خدایان متعدد عقیده داشته‌اند؟ این بحث در خور بیانی جداگانه و حتی رساله‌ای خاص است. تفاوت بسیار فاحشی که در میان دین هخامنشیان و ساسانیان هست این است که دین زردشتی دوره ساسانی از هر جهت دین ثنوی کامل است و اصول ثنیه یا Dualisme در همه مراحل خود

در آن دیده می‌شود و همه چیز به دو مبدأ یعنی اورمزد یا هرمز («اهوره مزده» و اهریمن یا اهرمن یا ریمن «انگره مینو» برمی‌گردد. اما در دین هخامنشی نه تنها مطلقاً نامی از اهریمن برده نشده و در کتیبه‌های شاهنشاهان این سلسله اندک اشارتی هم بدان نکرده‌اند بلکه در برابر اورمزد همه جا نامی از خدایان قدیم ایران مخصوصاً «ناهیته» (ناهید) و گاهی هم در اسناد فرعی گفتگویی از «میثره» (مهر) هست. این نکته می‌رساند که در دوره هخامنشی دین زردشتی آن‌چنانکه در دوره ساسانی به مرحله کمال رسیده است هنوز تکامل نپذیرفته بود. کارهای باستان‌شناسی مهم که باستان‌شناسان بزرگ شوروی مخصوصاً استاد تالستوف و استاد یاکوبوسکی در آسیای مرکزی و خوارزم کرده‌اند نتیجه بسیار مهمی داده که چون بسیار تازه است قطعاً همه کارشناسان ایران از آن بی‌خبرند و آن این است که در این نواحی در میان آثار دوره ساسانی بدین نکته مهم برخوردند که دین زردشتی آسیای مرکزی و خوارزم با دین زردشتی نواحی دیگر آن روز و مخصوصاً دربار ساسانیان تفاوت بسیار داشته و همان آثار دوره هخامنشی یعنی اعتقاد به خدایان متعدد در آن دوره هنوز در آن سرزمین زنده بوده است و حتی بازمانده‌ای از قدیم‌ترین دین نخستین آریاییان ایرانی یعنی پرستش نیاکان در آن زمان هنوز باقی بوده است. در میان آریاییان ایرانی که در دورترین مرزهای قلمرو ایران زندگی می‌کنند یعنی مردمی که قرن‌ها بدیشان کافر و به کشورشان کافرستان گفته‌اند و از پنجاه سال پیش افغان‌ها کوشیده‌اند آنها را به اسلام بشناسند و به همین جهت سرزمین‌شان را نورستان نام گذاشته‌اند هنوز همان اصول منتهی با تقیه و کتمان پایدار است و نوعی از پرستش نیاکان که به صورت اشکال و مجسمه‌های چوبی نموده